

تصحیح چند بیت از دیوان ناصر خسرو قبادیانی

(ص ۲۹۱ - ۲۸۵)

عبدالرضا سیف^۱، حسین پارسی‌فر^۲ (نویسنده مسئول)
تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۱
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده

دیوان ناصر خسرو قبادیانی یکی از آثار ارزشمند ادب فارسی است که خوشبختانه از دستبرد حوادث و فجایع و فتن بسیاری که برای سرزمین کهن ایران رخ داده، بر کنار و مصون مانده و خود را به دست ما رسانیده است.

در عین حال، دلایل گوناگونی همچون فقدان دستنویسهای با تاریخ نزدیک به زندگی شاعر و نیز ویژگیهای کهن زبانی و لغوی و نحوی و... مشکلاتی در فهم و تصحیح شمار قابل توجهی از ابیات دیوان وی پدید آورده است. از خوشاقبالیهای ناصر خسرو و ادب‌دوستان این است که مصححان و متن‌شناسان بزرگی همانند علامه دهخدا، سیدحسن تقی‌زاده، سید نصرالله تقوی، مجتبی مینوی و مهدی محقق به تحلیل و تصحیح دیوان وی پرداخته‌اند و مشکلات بسیاری را از آن مرتفع کرده‌اند.

در تصحیح استادان مینوی و محقق، یکی از نکات بارز و ارزشمند، مشخص نمودن ابیاتی است که بنوعی در آنها اشکالات گوناگون وجود داشته است. در این جستار به تصحیح پنج بیت از همین ابیات، پرداخته شده و تلاش شده بر اساس سبک شخصی ناصر خسرو و برخی معیارهای سبک‌شناسانه، ضبط صواب بیت و صورت اصلی متن بازیابی شود.

کلمات کلیدی

سبک شخصی، تصحیف، تصحیح، ناصر خسرو

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران hparsifar@gmail.com

مقدمه

تاریخ کتابتِ کهنترین دستنویس‌هایی که از دیوان ناصر خسرو در دست است، آنسوتر از اوایل نیمهٔ نخستِ قرن هشتم نمی‌رود. به همین سبب است که هنوز هم شمار فراوانی از ابیات دیوان ناصر خسرو لاینحل باقی مانده. از جانبِ دیگر، احتمالاً در ابیاتی که مشکلی در فهم و تبیین آنها وجود ندارد نیز، از سوی کاتبان به قصد معنیدار کردنِ واژه‌ها و ترکیبات غریب و ناآشنا، تغییرات و دستکاریهایی صورت گرفته است.

در این مواقع است که گاه میتوان از سبک شخصی (Individual style) هر شاعر و نویسنده مدد گرفت و با توجه به دایرهٔ واژگان و ترکیبات مکرر موجود و بافت و نحو مختص و منحصر بفرد وی، در تصحیح این دست‌متون گام برداشت.

از ویژگی‌های مثبت چاپ استادان مینوی و محقق این است که ایشان ابیات نامفهوم و مشکوک را با علامت پرسش (?) مشخص کرده‌اند: «در این چاپ اشعاری که از جهت وزن نادرست و یا دارای کلماتی نامفهوم و یا ترکیبی نامأنوس بوده با نشانهٔ استفهام مشخص گشته... این امر بدان جهت بوده که مجال تحقیق و نظر باز باشد و خوانندگان بتوانند بیاری نسخ خطی که بعداً ممکن است یافت شود و یا با کمک متون موجود، گره آن دشواریها را بگشایند» (مقدمهٔ دیوان ناصر خسرو، مینوی و محقق، ص سیزده).

در این تحقیق تلاش شده است پیشنهادهایی برای تصحیح برخی از همین ابیات، داده شود و بر پایهٔ سایر ابیات مشابه و بر اساس مضامین و مختصات فکری و برخی جنبه‌های سبک‌شناسی فردی، در جهت تأیید حدس و گمانهای پیشنهادی گام برداشته شود.

۱.

دربارهٔ دیوان ناصر خسرو، بتصحیح استادان، مینوی و محقق، باید گفت غالباً در مواردی که استادان مینوی و محقق احترام خاصی برای اصالت نسخه‌های خود قائل شده‌اند، گاه، برخی ضبط‌های تصحیح نصرالله تقوی بر تصحیح ایشان همچنان برتری دارد. بعنوان نمونه میتوان به بیت «لیکن چو...» که ذیلاً آمده، اشاره کرد:

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| هر روز به مذهب دگر باشی | گه در چه ژرف و گاه بر بامی |
| تا بی ادبی همی توانی کرد | خون علم‌ا به دم بیاشامی |
| لیکن چو کسیت میهمانی کرد | از پر خوردن همی نیارامی |
| گر ناصبیت برد عمر باشی | ور شیعی خواندت علی نامی |

(دیوان ناصر خسرو، ص ۳۸)

همین بیت مورد بحث، در تصحیح تقوی با تغییر کلی مصراع دوم، این‌طور ضبط شده است:

هر روز به مذهب دگر باشی گه در چه ژرف و گاه بر بامی

لیکن چو کسیت میهمان خواند
بر مذهب میزبان بیارامی
(ناصر خسرو، تصحیح تقوی، ص ۴۰۹)

باحتمال بسیار، ضبط درست بیت مانحن فیه همان است که در تصحیح مرحوم تقوی آمده است. باید دانست که مضمون «بر مذهب میزبان بودن» نمونه‌های دیگری نیز در دیوان ناصر خسرو دارد.

بر مذهب و بر رای میزبانی
بر خویشتن از ناکسی و بالی
(دیوان ناصر خسرو، ص ۴۶۶)

همچنین در بیت زیر که استادان مینوی و محقق آن را در قسمت ملحقات دیوان ناصر خسرو آورده‌اند، میتوان همین دقیقه را دریافت. بعلاوه از همین رهگذر، صحت انتساب این قصیده بناصر خسرو اندکی افزونی میگیرد.

پُر لجاجند از مذاهب تا چو آید میزبان
بر طریق و مذهب این میزبانند ای رسول
(دیوان ناصر خسرو، ص ۵۴۲)

مع الوصف بیت «لیکن چو کسیت...» تناسبی تام با ابیات پیش و پس خود مییابد چه بیت بعدی بنوعی در حکم توضیح و ژرف‌ساخت «بر مذهب میزبان بودن» است:

گر ناصبیت برد عمر باشی
ور شیعی خواندت علی نامی

۲.

برابرند ز طمع باز و، جغدکان بی‌رنج
نشسته‌اند ازیشان طمع گسسته‌ستند (؟)
(دیوان ناصر خسرو، ص ۵۲۴)

در تصحیح نصرالله تقوی بدین ترتیب تصحیح شده است:

برابر بر بطمع باز و جغدکان بی‌رنج
نشسته‌اند ازیرا طمع گسسته‌ستند
(دیوان ناصر خسرو، تصحیح تقوی، ص ۵۰۱)

بنظر میرسد، مصححان بیت پیشین، ضبط قسمت نخست بیت را «برابر = یکسان» پنداشته‌اند، اما با این فرض، وزن بیت مختل میشود. ضبط درست بیت احتمالاً بایستی چنین باشد:

بَر ابر پُر طمع باز و جغدکان بی‌رنج
نشسته‌اند ازیرا طمع گسسته‌ستند

یعنی شاهین به سبب طمع خود (برای شکار) یکسره بر فراز ابرها پرواز میکند، در حالی که جغدها بعلت بیطمعی در کنجی آسوده نشسته‌اند.

مضمون «باز بر ابر» بودن در بیتی دیگر از دیوان ناصر خسرو قبادیانی و در معنی نزدیک بهمین بیت، نیز آمده است.

از طاعت خفته‌ای و بر بازی
چون باز به ابر بر به پروازی
(دیوان ناصر خسرو، ص ۳۹۷)

یعنی برای انجام فرائض (بر زمین) خوابیده‌ای و برای بازی کردن، همانند شاهین بر فراز ابرها در حال پرواز کردن هستی. رابطه «باز و ابر» در ادب فارسی غالباً بصورت «عقاب و ابر» قابل ملاحظه است. البته در این بیت گنجشک بجای جغد نشسته و عقاب بجای باز شکاری:

تو بدین تیره از آن صاف بدان خرسندی
 که به دست است گنجشک و بر ابرست عقاب
 (دیوان ناصر خسرو، ص ۱۸۸)

۳.

نماند کار دنیا جز به بازی
 سر و سامان این میدان نیابد
 وزین خیمه معلق بر نپرد
 بر این میدان در این خیمه همیشه
 بقای نیستش هر چون طرازی...
 نه غازی و نه جامی و نه رازی
 اگر بازی تو از اندیشه سازی
 همی تازی نهانی و نفازی
 (دیوان ناصر خسرو، ص ۴۲۶)

در تصحیح تقوی بصورت ذیل آمده است:

برین میدان درین خیمه همیشه
 همی تازد نهانی را بغازی^۱
 (دیوان ناصر خسرو، تصحیح تقوی، ص ۴۲۸)

در قسمت تعلیقات نیز آمده: «ظ: برین میدان عیانی و آشکارا، همی تازی نهانی و ابتازی (رجوع بص ۴۴۵ س ۴ شود). (همان، ص ۶۷۷).

البته چنین است آن بیت:

چه باشد بازی آن باشد که ناید هیچ حاصل زو
 تو پس پورا بروز و شب پس بازی چه واتازی
 (دیوان ناصر خسرو، تصحیح تقوی، ص ۴۴۵)

تصحیح مینوی و محقق نیز همان نسخه بدل تقوی است. رک: (دیوان ناصر خسرو، ص ۱۲۷).

تصحیح قیاسی ما بدین صورت است:

برین میدان درین خیمه همیشه
 همی سازد نهانی را تغازی

در لغتنامه دهخدا ذیل «تغاز» و «تغازی» چنین آمده است: «تغاز: خصومت و پیکار نمودن» (لغتنامه دهخدا: ذیل تغاز). «تغازی: با همدیگر جنگ کردن» (همان: ذیل تغازی).

بنابراین معنی بیت حدوداً چنین خواهد بود: «(فلک و روزگار) در این عرصه گیتی و در این خیمه آسمان، پنهانی و مخفیانه در حال آماده شدن برای خصومت و نبرد(با تو) است.»

۱. نسخه بدل: «واتغازی»

قابل ذکر است که در دستنویسی از دیوان ناصر خسرو که ظاهراً مورد استفاده مصححان نیز قرار نگرفته ضبط «تغازی» بصراحت قابل مشاهده است:

برین میدان درین خیمه همیشه
همی تـازد نهانی را تغازی (؟)
(دستنویس دیوان ناصر خسرو، کتابت ۱۲۵۰ هـ.ق، ص ۱۴۴ a)

۴.

پوینده این جهان و فروزندی
او را ازین قبل به تکاپوئی (؟)
(دیوان ناصر خسرو، ص ۳۱۹)

پوینده این جهان و فروزندی
او را ازین قبل بتکاپوئی
(دیوان ناصر خسرو، تصحیح تقوی، ص ۵۰۹)

بنظر میرسد، ضبط صواب بیت مذکور بایستی بشکل یکی از دو مورد زیر باشد:

پوینده این جهان و تو فرزندش
پورا ازین قبل به تکاپوئی

پوینده این جهان و تو فرزند
پورا ازین قبل به تکاپوئی

یعنی این جهان پیوسته در حال دویدن است و تو نیز فرزند این مادر پویان هستی، ای فرزند بمین سبب تو نیز پیوسته در حال جنب و جوش و دویدن و حرکت (به دنبال مادر خویش) هستی.

در این بیت دنیا همانند اسبی چموش دانسته شده که پیوسته در حال دویدن است و انسان که فرزند این دنیا است لاجرم بدنبال او در حال پوییدن و دویدن است. همین نکته را در دیگر ابیات ناصر خسرو نیز میتوان بازجست:

از پس خویشت بدواند همی
گر تو نه دیوی به همه عمر خویش
پیش تو در می‌رود او کینه‌ور
گه سوی نوروز و گهی زی خزان
از پس این دیو چرایبی دوان؟
تو ز پس چه دوی شادمان؟
(دیوان ناصر خسرو، ص ۱۳)

به چه ماند جهان مگر به سراب
تو به شتاب از پس زمانه دوانی
سپس او تو چون دوی به شتاب (همان، ص ۲۷)
من به ستور از در زمانه رمانم
(همان، ص ۲۱۰)

دیو دنیای جفاپیشه تو را سخره گرفت
چنین بر بوی دنیا چند پوی؟
چو بهایم چه دوی از پس این دیو بهیم؟
به سوی آ ز چندین چند تازی؟
(همان، ص ۴۲۷)

مولانا نیز در همین مضمون چنین گفته:

ما زاده قضا و قضا مادر همه‌ست
چون کودکان دوان شده‌ایم از پی قضا
(غزلیات شمس، ص ۱۱۴۳)

ضمناً باید یادآور شویم که «پورا» بهمین صورت بالغ بر بیست فقره در دیوان ناصر خسرو استعمال شده است.

۵.

شاه را پیش جز از بختۀ پخته ننه‌ی
هرچه کان را ببری تو همی از حق خدای
از غمِ مزد سرِ ماه که آن یک درمست
هرچه کان را بدل خوش ندهی از پی مزد
پر فضولست سرت هیچ نخواهی شب و روز
پیشه‌ای سخت نکوهیده گزیدی چه بود
چه بُود نیک بیندیش به تدبیر خرد

مومنی را که ضعیفست یکی نان ندهی
بی‌گمان جز که ه سلطان و به تاوان ندهی
کودک خویش به استاد و دبستان ندهی
آن به کار بزه جز کز بن دندان ندهی...
که نو این را بستانی و کهن آن ندهی (؟)
کز فلان زر بستانی و به بهمان ندهی...
که ز حامد نستانی و به حمدان ندهی
(دیوان ناصر خسرو، ص ۴۶۴)

بیت مدّ نظر در تصحیح تقوی با حذف «را» در مصراع دوم به این ترتیب آمده است:

پر فضولست سرت هیچ نخواهی شب و روز
که نو این بستانی و کهن آن ندهی
(دیوان ناصر خسرو، تصحیح تقوی، ص ۴۵۲)

ضبط پیشنهادی ما برای این بیت، با توجه به ابیات پیش و پس، بیکی از دو صورت زیر است:
پر فضولست سرت هیچ نخواهی شب و روز که تو این را بستانی و گهی آن ندهی
پر فضولست سرت هیچ نخواهی شب و روز که گه این را بستانی و گهی آن ندهی
یعنی سرت پر از فکر و مشغله است و شب روز خواب نداری، زیرا (در فکرت این است)
که می‌خواهی این (چیزی) را بستانی و گاهی آن (چیزی دیگری) را نبخشی.

علت پیدایش تصحیف در این بیت چندان دشوار نیست، «گهی» به «کهن» تصحیف شده است و «گه» که محتملاً بدست برخی کاتبان به «تو» بدل شده بوده است، بدلیل تصحیف «گهی» به «کهن»، بدل به «نو» گردیده که تضادی در بیت ساخته شده باشد. اما درباره این که «نو» بایستی تصحیف «گه» باشد، باید گفت که با احتمال بسیار بایستی همچنین باشد چه «گه... گاه» قید ربط دوسویه است. رک: (دستور مفصل امروز، فرشید ورد، صفحات ۵۴۸ و ۵۵۳).

«بی‌خواهی شب و روز» در این بیت از ناصر خسرو نیز مشهود است:

به امید آن عالم است ای برادر شب و روز بی‌خواب و با روزه رهبان
(ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۸۶)

نتیجه

بخش عمده‌ای از مشکلات شعر ناصر خسرو نشأت گرفته از سبک شاعری اوست. پیچش‌های نحوی و همچنین استعمال لغات و اصطلاحات بسیار کهن که بخودی خود نیاز به توضیحات فراوان را ضروری نموده، در کنار تصحیفات که غالباً به علت فقدان دستنویس‌های قدیمی، دامنگیر تعداد زیادی از ابیات ناصر خسرو گردیده، همه و همه، تصحیح دیوان این شاعر آوارهٔ یمگان را با دشواریهای بسیار روبرو کرده است.

در تصحیح استادان مینوی و محقق، تعدادی از ابیات ناصر خسرو که بدلائل گوناگون در فهم و ضبط آنها نارسایی بنظر رسیده، با علامت پرسش (?) مشخص شده است. در این مقاله بتصحیح و تحلیل پنج بیت از همین ابیات پرداخته شد و به مدد بازیافتن مضامین و لغات این ابیات تصحیف‌یافته، در سایر ابیات دیوان ناصر، ضبط صواب و صورت اصیل بیت، نمایانده شد.

منابع

۱. برهان قاطع. تبریزی. محمد حسین بن خلف. (۱۳۷۶). باهتمام محمد معین. تهران. امیرکبیر. چاپ ششم.
۲. دستنویس دیوان ناصر خسرو. ناصر خسرو قبادیانی. ابومعین. (۱۲۵۰ ق). کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی. به خط محمد یوسف آشتیانی. شمارهٔ ۴۸۴۹.
۳. دستور مفصل امروز. خسرو فرشیدورد. (۱۳۸۲). تهران. سخن.
۴. دیوان خاقانی. خاقانی شروانی. افضل الدین بدیل. (۱۳۷۸). بتصحیح ضیاءالدین سجادی. تهران. زوار. چاپ هفتم.
۵. دیوان سوزنی. سوزنی سمرقندی. (۱۳۴۴). باهتمام ناصرالدین شاه‌حسینی. تهران. چاپخانهٔ سپهر. چاپ دوم.
۶. دیوان ناصر خسرو. ناصر خسرو قبادیانی. ابومعین. (۱۳۸۴). تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران. دانشگاه تهران. چاپ ششم.
۷. دیوان ناصر خسرو. ناصر خسرو قبادیانی. ابومعین. (۱۳۰۴-۱۳۰۶). باهتمام سید نصرالله تقوی و سید حسن تقی‌زاده، مجتبی مینوی، علی اکبر دهخدا. تهران. مطبعه مجلس.
۸. سبک‌شناسی. بهار، محمدتقی. (۱۳۸۱). تهران. زوار. چاپ اول.
۹. کلیات شمس. مولوی بلخی. جلال الدین محمد. (۱۳۸۶). بر اساس چاپ بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران. هرمس، چاپ دوم.
۱۰. لغتنامهٔ دهخدا. دهخدا. علی اکبر و دیگران. (۱۳۷۷). تهران. دانشگاه تهران.

Archive of SID